



## نقش سیاق در تفسیر قرآن

جعفر تابان<sup>۱</sup>

### چکیده

مفسران گرانقدر قرآن کریم از صدر اسلام تا کنون تلاش های فراوانی برای تفسیر قرآن کریم و فهم و ارائه معنای مراد خداوند تعالی از قرآن داشته اند. در این راه با استفاده از احادیث پیامبر گرامی اسلام (ص) و دیگر بزرگان و مراجعه به شأن نزول ها؛ از علوم عقلی و نقلی و ادبی نیز در این جهت بهره برده اند. یکی از راههای بسیار موثر و مطمئن برای رسیدن به معنای واقعی قرآن کریم، توجه به سیاق آیات آن است. گاهی یک کلمه یا جمله و یا عبارت به تنهایی در نظر گرفته و معنا می شود. زمانی نیز همین کلمه یا جمله یا عبارت در ضمن کلمات و جملات و عبارات دیگر است و معنای آن با توجه به سیاق، آشکار می شود توجه به سیاق تأثیر فراوانی در رسیدن به معنای مورد نظر دارد. در مقاله حاضر تلاش بر آن است که نقش سیاق در تفسیر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژگان:** تفسیر قرآن، قرینه و سیاق، سیاق آیات.

---

<sup>۱</sup> - استاد یار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



مقدمه

برای فهم معنای مورد نظر یک نویسنده و یا گوینده باید مفردات الفاظ او را فهمید و با توجه به ساختار و ترکیبی که جملات در آن ظهور یافته اند، مقصود گوینده را دریافت.

از آنجائی که قرآن سخن خداوند حکیم است و او مهمل نمی گوید کلمات، جملات و عبارات او به هم پیوسته و مربوط هستند. برای فهمیدن معنای مورد نظر او علاوه بر مفردات و جملات به سیاق نیز باید توجه کرد. چون سیاق را می توان قرینه پیوسته لفظی برای فهم کلام دانست؛ از این رو سیاق به عنوان نشانه های لفظی و معنوی تاثیر گذار بر معنی واژه و آیات، نمی تواند از جانب مفسران قرآن مورد غفلت قرار گیرد.

از دیرباز مفسران گرانقدر برای تفسیر قرآن کریم تلاش های فراوانی کرده و علوم مختلفی را آموخته اند که همه آن علوم در تفسیر قرآن نقش داشته اند علمی از قبیل صرف، نحو، معانی و بیان و بدیع، لغت، فقه، اصول، فلسفه، کلام، تاریخ، اسباب النزول، علوم الحدیث و... عامل بسیار مهم در این باره نقش سیاق در تفسیر قرآن کریم است. زیرا گاهی یک آیه به تنهایی معنایی را به ذهن متبادر می کند ولی در کنار آیات دیگر و عبارات قبل و بعد معنایی دیگر رجحان می یابد.

به هر حال سیاق آیات در فهم معنای مراد از آیه به مفسر کمک می کند که مفسران اسلامی از آن غافل نبوده اند. این مقال برآن است تا تاثیر و نقش سیاق در تفسیر قرآن کریم را مورد بررسی قرار دهد.

### سیاق در لغت

در منابع لغت، واژه سیاق به معنای متعددی چون احتضار، اسلوب، مفارقت روح، مهر و کابین به کار رفته است (فرهنگ معین، واژه سیاق). همچنین این واژه به معنای



راندن، اسلوب، روش، طریقه، فن تحریر محاسبات به روش قدیم، مهر و کابین، تتابع (از پی یکدیگر در آمدن) (لغت نامه دهخدا). چنان که نیز آمده است علامه طباطبایی آن را با عبارت «الحث علی المسیر» (المیزان، ۱۸، ۳۲۹) «السوق یقتضی الحث علی المسیر» (روح المعانی، ۳، ۲۴) بیان کرده است یعنی سیاق به سوی هدف پیش می برد. به عبارت دیگر سیاق اجزای سخن را به سوی مفاهیم مقصود و غرض صاحب سخن هدایت می کند. از این رو واژه شناسان سیاق کلام را به اسلوب سخن و طرز جمله بندی معنا کرده اند ( اقرب الموارد، ۱، ۵۸۸).

### معنای اصطلاحی سیاق

گرچه پیرامون موضوع سیاق بحث های گسترده و متنوعی صورت نگرفته و دامنه بحث به خوبی شکافته نشده است ولی علمای اصول از دیدگاه علم اصول به این بحث توجه نشان داده اند. مفسران نیز در کتب تفسیری از دیرباز سیاق آیات قرآنی را مؤثر در تفسیر قرآن دانسته و از زاویه علم تفسیر به آن توجه نشان داده اند ولی تفسیری جامع و تنقیحی معین از این بحث نزد آنان نیز انجام نگرفته است. یکی از تعاریف جامع در زمینه سیاق از شهید سید محمد باقر صدر است که می گوید:

مقصود ما از سیاق هرگونه دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که می خواهیم آن را بفهمیم پیوند خورده است خواه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن بهم پیوسته را تشکیل می دهند و خواه قرینه حالی باشند، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد. (دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى ۱۰۳).

چنان که اشاره شد تعریف فوق تعریفی جامع و گسترده است و حتی قراین غیر لفظی را نیز در این بحث مطرح می کند ولی معمولاً اندیشمندان دیگر سیاق را بیشتر در حوزه قراین لفظی مطرح و پی گیری می کنند. آقای حسینی نیز معنای عامی از سیاق را در نظر می گیرد و می گوید:

ونقص بالسیاق الجو العام الذی یحیط بالكلمة وما یکتفها من قرائن وعلامات، مقصود ما از سیاق جو عامی است که کلمه را در برگرفته و آنچه که از قرائن وعلامات پیرامون کلمه مطرح است (کیف نفهم القرآن، ۱۲۵).



تعریف فوق نیز از گستردگی زیادی برخوردار است و شامل قراین غیر لفظی می شود. گرچه گفته اند نباید در اصطلاح مجادله کرد چون به هر حال هر کس تعریفی را از یک موضوع ارائه می دهد و بر اساس آن به بحث می پردازد و لذا نمی توان در تعاریف و اصطلاحات با دقت و موشکافی زیاد برخورد کرد.

آقای محمد علی گرامی هم در تعریف خود قراین غیر لفظی را داخل می کند و در کتاب خود می نویسد:

معمولاً در گفت و شنوهای متعارف قراین صدر و ذیل عبارت معنای خاصی به جمله می دهد و منظور را محدود می کنند و این معنا در اصطلاح معمولی سیاق و مساق خوانده می شود» (درباره شناخت قرآن، ۵۱).

باید دید منظور ایشان از قراین چیست؟ آیا قراین لفظی مورد نظر است یا قراین غیر لفظی را نیز شامل می شود در صورت دوم تعریف ایشان نیز جامع و گسترده خواهد بود.

آقای محمد حسن ربانی می نویسد:

«سیاق همان قرینه مقالیه یا مصداقی از آن یا نشانه درون متنی است که ترکیب صدر و ذیل کلام، شکل دهنده آن خواهد بود» (پژوهشهای قرآنی ۲۷ و ۲۸).

در این تعریف ایشان معنای ضیق تری از معنای اصطلاحی سیاق را بیان می کند که باید گفت در سیاق بیشتر به قراین مقالیه و لفظیه توجه می شود و با تعریف ایشان هماهنگ است.

در تعریف دیگری آمده است: «سیاق الکلام اسلوبه الذی یجری علیه». سیاق کلام همان روش و اسلوب کلام است که سخن بر آن جریان پیدا می کند (اقرب الموارد، ۱، ۵۸۸). نزدیک به این تعریف را آقای محمد علی رضایی کرمانی ارائه می کند:

سیاق در اصطلاح اهل ادب به طرز جمله بندی که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات است، گفته می شود به گونه ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمه ها و سپس معنای جمله، معنایی دیگر را نیز برای جمله به همراه آورد. (پژوهشهای قرآنی ۹-۱۰).

آیت الله محمد هادی معرفت در این زمینه می نویسد:

كان القرآن نزل نجوماً وفي فترات لمناسبات قد يختلف بعضها عن بعض وكانت كل مجموعه من الايات تنزل لمناسبة تخصها تستدعي وجو درابط بينها بالذات، وهو الذي يشكل سياق الاية في مصطلحهم. قرآن به تدریج در مناسبت های مختلف نازل گردید و گاهی مجموعه ای از آیات به مناسبتی مخصوص نازل می گردید که لازمه آن وجود ارتباطی ذاتی

بین آن مجموعه آیات است. این ارتباط را در اصطلاح سیاق آیه گویند (التمهید فی علوم القرآن، ۵، ۲۳۹).

بنابراین در جمع بین اقوال و نتیجه گیری می توان گفت:

گاهی یک جمله به تنهایی معنای خاصی را می رساند اما بر اثر وجود واژگان یا جملات دیگر در کنار آن فضای خاصی که در آن قرار دارد معنای دیگری به دست می آید که گفته می شود به کمک سیاق این معنا به دست آمده است. بنابر این مجموعه ای از واژگان، جملات و عبارات در کنار هم و در ارتباط با هم و تناسب فضای بحث که به خواننده متنی کمک می کنند تا معنا را بهتر درک کند سیاق گفته می شود.

### اهمیت سیاق از دیدگاه دانشمندان

دانشمندان مختلف از شیعه و اهل سنت به نقش و اهمیت سیاق در تفسیر و برداشت از قرآن تصریح کرده اند.

ابن قیم جوزیه می گوید:

السیاق یرشد الی تبیین المجمل و تعیین المحتمل، و القطف بعدم احتمال غیر المراد و تخصیص العام و تقييد المطلق و تنوع الدلالة، وهذا من اعظم القرائن الداله علی مراد المتكلم. فمن اهمله غلط فی نظره و غلط فی مناظرته، سیاق ما را به تبیین محل و تعیین محتمل و قطع به عدم احتمال غیر مراد و تخصیص عام و قید خوردن مطلق و دلالت متنوع راهنمایی می کند و این از بزرگترین قرائنی است که دلالت بر مراد متکلم دارد هرکس سیاق را در نظر نگیرد در نظراتش دچار خطا شده و دیگران را نیز به خطا می اندازد (الوجه والنظائر فی القرآن الکریم ۷۹).



رشید رضا در مقدمه تفسیر المنار می گوید: « بهترین قرینه که حقیقت لفظ را بیان می کند موافقت معنای آن با معنای کلمات و جملات قبل از آن است و همراهی و سازگاری با مجموعه معنا و همسو بودن با هدفی که کتاب برای آن آمده است. » زرکشی راه رسیدن به فهم آن بخش از قرآن را که نقل معتبری در تفسیر آن وارد نشده، دقت در معانی مفردات آیات و کاربرد آنها طبق سیاق آیات دانسته و گفته است: «راغب در کتاب مفردات نیز بسیار به آن اعتنا کرده و در تفسیر معنای لفظ به اقتضای سیاق قیدی زائد بر آنچه لغت دانان گفته اند ذکر می کند» (البرهان فی علوم القرآن ۲، ۳۱۳).



از نویسندگان شیعه نیز حسینی در کتاب خود می نویسد:

سیاق تاثیر زیادی در دلالت مقصود متکلم دارد گاهی یک کلمه و یک جمله دو معنای کاملاً متناقض را می رساند بدون این که کلمه در ساختار داخلی اش (در مورد آن دو معنا) مختلف باشد و تنها چیزی که تغییر کرده است « سیاق و قراین محیط به آن کلمه است (کیف نفهم القرآن، ۱۲۵).

علامه در موارد متعددی از تفسیر المیزان مطالبی را بر اساس توجه به سیاق و ارتباط آیات برداشت نموده و به خوانندگان تقدیم نموده است و حتی در مواردی که بعداً به بعضی از آنها خواهیم پرداخت تصریح می کند که روشن ترین گواه و استوارترین دلیل در دریافت معنی مراد سیاق است.

### تاریخچه سیاق و نقش آن در تفسیر

از صدر اسلام نقش سیاق در تفسیر آیات قرآن کریم مورد توجه مسلمانان قرار می گرفت. وقتی درباره معنای واژه "اب" در "وفاکله و ابا" بحثی پیش آمد یکی از مسلمانان به بعضی از صحابه گفت از ادامه آیه "متاعاً لکم ولأنعامکم" می توان فهمید که منظور از ابا همان خار و خاشاک و خوراک حیوانات است. چنان چهابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه آورده است:

ان عمر مریوماً بشاب من فتيان الاضار وهو ظمان فاستسقاء فخلط له الفتى الماء بعسل وقدمه اليه. فلم بشر به وقال ان الله تعالى يقول (اذهبتم طبيباتكم في حياتكم الدنيا) فقال له الفتى انها ليست لك ولا لأحد من اهل القبلة اتري ما قبله، (وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَّذِينَ كَفَرُوا فِي حَيَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمْ وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا) (احقاف، ۲۰) روزی عمر در حال تشنگی گذرش به یکی از جوانان انصار افتاد از او در خواست آب کرد جوان پس از مخلوط کردن آب و عسل آن را به عمر تقدیم نمود عمر آن را نوشید و گفت: خداوند متعال می گوید: نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان (خود خواهانه) صرف کردید. جوان به او گفت: این آیه مخاطبش تو و هیچ یک از اهل قبله نیست. آیا عبارت قبلیش را ندیدی روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه می دارند فرشتگان عذاب به آنها گویند شما نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان (خود خواهانه) صرف کردید و از آنها برخوردار شدید سپس عمر گفت: همه مردم از عمر داناترند (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۶).

البته تبیین سیاق و استفاده از آن به عنوان یک معیار در تفسیر قرآن کریم بعد از دوره صحابه و حتی تابعین نیز صورت می گرفت و در بین دانشمندان بعد از آنها نیز مرسوم گردید که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:



**طبری:** می توان در دوره تدوین برای مثال طبری (م. ۳۱) را به عنوان اولین گامها در استفاده با قاعده و تعریف شده از سیاق به عنوان یک راه برای رسیدن به تفسیر صحیح از آیات قرآن کریم دانست. طبری درسی جلد تفسیر جامع البیان ده‌بار از واژه سیاق به مفهوم اصطلاحی آن در تفسیر آیات استفاده کرده است. مثلاً در تفسیر آیه ۱۱۶ بقره که می فرماید: «وَقَالُوا آخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِيْنٌ» وگفتند خداوند فرزندی اختیار کرده است منزله است او بلکه هر چه در آسمانها وزمین است از آن اوست، (و) همه فرمان پذیر اویند» ایشان می گوید قنوت در زبان عربی به معنای طاعت، قیام امساک از کلام است. و دربارہ این آیه می نویسد: بهترین معنای قنوت در این آیه اطاعت و اقرار به بندگی در مقابل خداوند است. (طبری، ۱، ۱۲۹) و به هر حال ایشان در تفسیر خود به مسأله سیاق توجه داشته است و یکی از بنیانگذاران در این زمینه محسوب می شود.

**جصاص:** در قرن چهارم ابوبکر احمد بن علی رازی مشهور به جصاص (م. ۳۷) در تفسیر خود احکام القرآن مواردی هر چند کمتر از طبری از واژه سیاق و معنای اصطلاحی آن در برداشت از قرآن بهره جسته است. (احکام القرآن ۵۸۶۲)

**شیخ طوسی:** شیخ طوسی، محمدبن حسن (م. ۴۶)، شیخ الطائفه در تفسیر بسیار ارزشمند خود التبیان فی تفسیر القرآن از واژه سیاق البته به شکل محدودتری استفاده کرده است. (طوسی، ۶، ۵۲۲)

**طبرسی:** نویسنده مجمع البیان لعلم القرآن مرحوم ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م. ۵۴۸) از لغت سیاق و معنای اصطلاحی آن (البته به صورت بسیار محدودی) در تفسیر آیات بهره جسته است.

**قرطبی:** ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر انصاری خزرگی اندلسی قرطبی (م. ۶۷۱ ق) در تفسیر الجامع الاحکام القرآن معروف به تفسیر قرطبی در موارد محدودی از مفهوم سیاق در تفسیر آیات استفاده کرده است. (تفسیر قرطبی، ۵، ۳۰۷)

**بیضاوی:** قاضی ناصر الدین ابوالخیر عبدالله بن عمر بیضاوی شافعی در کتاب انوار التنزیل و اسرار التأویل معروف به تفسیر بیضاوی از سیاق به عنوان کمکی برای فهم بهتر آیات بهره برده است (انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱، ۵۲۲). دانشوران دیگری نیز در تفاسیر مهم خویش از سیاق به معنای اصطلاحی آن برای فهم برداشت و تفسیر صحیح از آیات قرآن کریم کمک گرفته و بهره برده اند. از جمله:



ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمد نسفی (م. ۷۰۱ ق) در تفسیر مدارک التنزیل وحقایق التأویل (تفسیر نسفی، ۵، ۳۱۰).

ابن کثیر ابوالفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی (م ۷۷۴) در کتاب تفسیری خود از سیاق بیش از تفاسیری که پس از تفسیر طبری از این امر بهره جسته اند، استفاده کرده است. (تفسیر ابن کثیر، ۲۰۲۶۷).

ابو حیان محمد بن یوسف بن علی نحوی اندلسی غرناطی (م ۷۴۵ ق) در تفسیر البحر المحيط موارد زیادی به کمک سیاق به تفسیر آیات پرداخته است (بحر المحيط، ۲، ۱۱۴). بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی (م ۷۹۴ ق) در کتاب البرهان فی علوم القرآن که هرچند یک کتاب تفسیری نیست ولی بحث سیاق را به خوبی مطرح و تنقیح نموده و توجه ویژه ای به نقش آن در تفسیر دارد (البرهان فی علوم القرآن، ۲، ۲۰۰) که در بحث از اهمیت سیاق در تفسیر قرآن کریم به نظرات بدر الدین زرکشی اشاره شد.

ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (م ۹۸۲) به مواردی از سیاق و تاثیرگذاری آن در تفسیر ایشان برخورد می کنیم که گرچه به جهت کمیت محدود است ولی از نظر شیوه کاربرد و توجه به ابعاد مهمی از مفهوم سیاق، اهمیت دارد (العقل السليم الى مزایا الكتاب الكريم، ۶، ۱۱۲).

در یک فاصله زمانی بین تفاسیر فوق تا قرن سیزدهم مفسران در کتب تفسیری خود کمتر به بحث سیاق تصریح کرده اند هر چند در لابلای بحث های آنها توجه به سیاق دیده می شود.

پس از آن سید محمود افندی آلوسی بغدادی (م ۲۷۰ ق) پس از چند قرن وقفه در برداشت و تفسیر قرآن با توجه به کمک از سیاق بار دیگر به صورت وسیعی از سیاق آیات برای تفسیر آیات قرآن بهره گرفت. (روح المعانی، ۱۷۰، ۱۷۱). محمد بن علی بن محمد شوکانی (م ۱۲۵ ق) در کتاب تفسیر الجامع بین فنی الدرایه والروایه من علم التفسیر در موارد متعددی از سیاق برای تفسیر قرآن کمک می گیرد (فتح القدير، ۱، ۲۹۴) یکی از بیشترین تفاسیری که بر سیاق استناد کرده و از آن بهره برده است تفسیر المیزان علامه طباطبایی است که به صورت مستقل درباره آن بحث خواهیم کرد.



## انواع سیاق

انواعی برای سیاق متصور است. اگر از کنار هم قرار گرفتن آیات و جمله ها سیاق به دست آید آن را سیاق آیات و جمله ها می نامند و اگر از کنار هم قرار گرفتن کلمات سیاقی ایجاد شود آن را سیاق کلمات می خوانند. اما از آنجائی که اکثریت دانشوران مسلمان ترتیب سور را اجتهادی می دانند سیاق سوره ها متصور نیست. بنابراین ابتداء سیاق کلمات و سپس جمله ها و آیات را مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۱\_ سیاق کلمات

یک گوینده یا نویسنده کلماتی متناسب و هماهنگ را در کنار هم قرار داده و جمله می سازد اگر این کلمات ناهماهنگ و نامتناسب باشند جمله ای مفهوم و روشن به دست نمی آید. بنابراین این سیاق کلمات عبارت است از خصوصیت و ویژگی برای کلمات که از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند کلمه در ضمن یک جمله به دست می آید. با مثال های زیر بهتر می توان به تاثیر سیاق کلمات در تفسیر آشنا شد. در سوره مبارکه حمد منظور از دین در مالک یوم الدین چیست؟ دین از نظر لغوی دارای معانی متعددی است از جمله:

- ۱\_ کیش و مذهب (آئین) «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» (توبه/۳۲) کلمه دین در این آیه با توجه به سیاق کلمات ظهور در آئین دارد.
- ۲\_ اطاعت: در آیه شریفه «وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء...» (بینه/۵) با توجه به سیاق، دین به معنای اطاعت است.

- ۳\_ قانون، جزا یا آئین: در آیه شریفه «كذلك كدنا ليوסף ما كان لياخذ اياه في دين الملك» (یوسف/۷۶) به سیاق کلمات، دین در معنای قانون، جزاء یا آئین آمده است. حال در آیه شریفه سوره حمد می توان گفت با توجه به سیاق کلمات آیات معنای جزا مورد نظر است.

همچنین کلمه کتاب در قرآن کریم در معانی و مصادیق متفاوتی به کار رفته است ولی در آیه «... وما يعمر من معمر ولا يتقص من عمره الا في كتاب...» (فطر/۱۱) کلمه کتاب در اثر سیاق کلمات، ظهور در لوح محفوظ پیدا کرده است.

یکی از کلماتی که در قرآن کریم دارای معانی متفاوت و متعددی آمده، کلمه امت است که به کمک سیاق می توان این معانی را در آیات مختلف قرآن به دست آورد:





۱\_ جماعت: در بسیاری از آیات قرآن واز جمله در آیه شریفه «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر...» (آل عمران/۱۱۰) ظاهر در معنای جماعت است.

۲\_ مدت وزمان: در آیه کریمه «وقال الذی نجی منهما وادکر بعد امه...» (یوسف/۴۵) و آیه کریمه «ولئن اخرجنا عنهم العذاب الی امه معدوده ليقو لن ما یحبسه» (هود/۸) و آیه امت به معنای مدت وزمان به کار رفته است ودر آیه «... انا وجدنا ابادنا علی امه...» (زخرف/۲۲، ۲۳) ظاهر در معنای طریقه روشن است.

تمامی این معانی به کمک سیاق کلمات به دست می آید. همانطوری که در مثالهای فوق مشاهده می شود سیاق کلمات یکی از قوی ترین قراین در فهم معنای مراد از آیه است.

## ۲\_ سیاق آیات و جمله ها

منظور از سیاق آیات و جمله ها ویژگی و خصوصیتی است که از کنار هم قرار گرفتن آیات و جمله ها حاصل می شود یعنی یک آیه و یا جمله ای از آیه، قرینه برای فهم معنای آیه ای دیگر و یا جمله ای دیگر می شود. از آنجائی که سیاق آیات و همچنین سیاق جمله ها از نظر قرینه بودن برای فهم دیگر آیات و جمله ها شبیه همدیگر است لذا ما سیاق آیات و جمله ها را از همدیگر جدا نکردیم. در صورتی که آیه دارای یک کلمه باشد سیاق آن مانند سیاق کلمات خواهد بود. مثلاً در سوره مبارکه رحمن آیه مدهامتان یک کلمه است وجزیی از یک جمله که مانند کلمات دیگر قرآن کریم به کمک سیاق کلمات معنای آن مشخص می شود. به نمونه هایی از این گونه سیاق در آیات زیر توجه فرمایید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّن لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا». و مهر زنان را همچون هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید (نساء/۴)

طبری در تفسیر این آیه نوشته است: اهل تأویل درباره مخاطبین آیه اختلاف کرده اند. برخی بر این باورند که مراد از ضمیر کم در «فان طبین لکم» اولیاء زنان

است و برخی دیگر می گویند مراد همسران آنان است. سپس او با استفاده از معیار سیاق جمله ها آورده است که: بهترین تأویل ها عبارت از سخن کسی است که می گوید مقصود آیه همسران زنان است. زیرا خطاب در ابتدای آیه متوجه زنان است و جمله «فان طبن لکم» به آن متصل بوده است و دریک سیاق می باشد (تفسیر طبری، ۱، ۱۳۹).

آیه شریفه «ارجعوا الی ابیکم فقولوا یا ابانا ان اینک سرق وما شهدنا الا بما علمنا وما کننا للغیب حافظین (یوسف / ۸۱)» پیش پدرتان بازگردید و بگویید: ای پدر، پسر دزدی کرده وما جز آنچه می دانیم گواهی نمی دهیم وما نگهبان غیب نبودیم.

ذیل این آیه و در تفسیر آن طبری می گوید: نزدیک ترین سخن به درستی در تفسیر جمله «وما شهدنا الا بما علمنا» سخن کسی است که می گوید ما شهادت نمی دهیم که پسر دزدی کرده مگر به علم خود که پیمان را در ظرف او دیدیم به دلیل این که این جمله بعد از جمله «ان اینک سرق» قرار دارد (طبری، ۸، ۴۹).

«ولایحسبن الذین بیخلون بما اتبهم الله من فضله هم خیراً لهم بل هو شر لهم...» (آل عمران، ۱۸۰) و کسانی که به آنچه خداوند از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ورزند هرگز تصور نکنند که آن (بخل) برای آنان خوب است، بلکه بد است.

طبری در تفسیر آیه فوق با اشاره به دیدگاههای مختلف درباره معنای کلمه بخیل می نویسد: بهترین تأویل این است مراد از بخیل کسی است که از پرداختن زکات دریغ می ورزد. زیرا در تفسیر آیه اخبار فراوانی بدین مضمون رسیده است و نیز سیاق آیات و اتصال آیه بعدی «لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر» به آیه مذکور، مؤید این معنا ست. (طبری، ۲۰۳، ۳).

«فا وحی الی عبده ما اوحی» آنگاه به بندگانش آن چه را باید وحی کند وحی کرد (نجم / ۱۰۷). طبری ذیل این آیه با ذکر تفاسیر مختلف آنگاه این تفسیر را برای آیه ترجیح می دهد: جبرئیل آنچه را که پروردگارش به او وحی کرد، به رسول خدا (ص) وحی کرده است. وی در دلیل ترجیح این تفسیر بر تفسیر دیگر را می نویسد: در ابتدای سوره سخن از رسول خدا (ص) و جبرئیل به میان آمده و آیه «فا وحی الی عبده ما اوحی» در سیاق آن است و دلیلی بر روی گردان ساختن خبر از آن دو وجود ندارد (طبری، ۳، ۶۳).





حاصل آن که توجه به سیاق کلمات یعنی ویژگی حاصل از کنار هم قرار گرفتن کلمات و یا سیاق جملات و آیات به عنوان قرینه ای تأثیر گذار در تفسیر مورد توجه مفسران بزرگ مسلمان بوده وهست. بدون توجه به سیاق نمی توان به تفسیر صحیحی از آیات قرآن کریم دست یافت.

### روش صاحب المیزان

علامه طباطبایی در کتاب شریف تفسیر المیزان از سیاق، بیشترین بهره را در تفسیر آیات قرآن برده است. گرچه مفسران گذشته نیز از این روش در تفسیر قرآن استفاده کرده اند اما این کار در تفسیر المیزان از نظر کمی و کیفی گستردگی فراوانی یافت. کار ایشان در این زمینه از تفاسیر دیگر کامل تر بلکه تکامل یافته تر است. او در تفسیر خود بیش از دو هزار مرتبه از سیاق در تفسیر آیات استفاده می کند.

برخی از مفسران خصوصاً از سلفیه برای شأن نزول در تفسیر آیات قرآن کریم نقش اساسی قائل هستند در مقابل بعضی دیگر نقش شأن نزول در تفسیر را بسیار کم اهمیت جلوه داده اند. حقیقت این است که هر دو، راه افراط و تفریط را پیموده اند زیرا که در هر صورت نمی توان نقش اسباب النزول در تفسیر قرآن را نادیده گرفت. علامه طباطبایی شأن نزول هایی را که با سیاق آیات ناسازگار باشد نمی پذیرد زیرا آیات و سیاق آنها برای او اساس و مسائل دیگر فرع بر آن است. برای مثال می گوید: درباره سبب نزول این بخش از آیات، (اوایل سوره احزاب) روایات و نقل های دیگری رسیده است ولی چون با سیاق آیات بیگانه است و سازگاری ندارد، آن را نمی پذیریم (المیزان، ۱۶، ۲۸۰).

علامه طباطبایی (ره) درباره احادیث تفسیری نیز به رد و اثبات آنها با توجه به سیاق آیات می پردازد که نمونه های آن فراوان است از جمله در ذیل آیه سوره اعراف (ونزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من تحت الانهار....) که آیا درباره رزمندگان جنگ بدر است یا خیر؟ ایشان با توجه به سیاق مکی آیات این مطلب را نمی پذیرد.

صاحب المیزان با توجه به سیاق آیات به گسترش مفهوم آیه و مشخص کردن اعراب و ترکیب نحوی آیات و حتی قرائت صحیح آیه و جدا کردن مکی از مدنی در



میان آیات و مشخص کردن تدریجی یا دفعی نازل شدن سوره می پردازد و برداشت فقهی صحیح از آیه را به کمک سیاق مشخص می کند . خلاصه آن که علامه طباطبایی (ره) یکی از مفسرانی است که بیشترین بهره را از سیاق در تفسیر آیات قرآن کریم برده است. اینک بعضی از موارد فوق را به صورت گسترده تر مورد بحث قرار می دهیم.

### سیاق آیات در روایات تفسیری

نوعی از تفسیر را تفسیر مأثور می دانند. در این قسم از تفسیر ذیل هر آیه روایت مربوط به آن آیه را ذکر کرده و با توجه به آن روایت آیه را تفسیر می کنند. روایات تفسیری دارای مشکلاتی است از آن جمله گاهی اسناد این گونه روایات ذکر نشده و گاهی نیز این روایات جعلی هستند. مشکل دیگر درباره این گونه روایات این است که در میان روایات تفسیری اسرائیلیات نیز دیده می شود و بلکه متأسفانه این گونه روایات کم نیستند.

چگونه می توان این گونه روایات را مورد نقد و بررسی قرار داد و سره از ناسره را جدا کرد؟ اگر چه به طور طبیعی علم رجال در بررسی سند روایات کمک اصلی خواهد بود ولی عدم مخالفت با قرآن، عدم مخالفت با عقل صریح در رد و تأیید روایات مبناست.

اما روشی را که علامه طباطبایی در المیزان بر روی آن تأکید می کند توجه به سیاق آیات و هماهنگی حدیث با سیاق است و در صورتیکه حدیثی با سیاق آیات قرآن همگون نباشد آن را در تفسیر آیه مربوط نمی پذیرد . مثالها در این زمینه فراوان هستند هرکجا از کتاب شریف المیزان که بحث روایی مطرح شده باشد به این مسأله نیز توجه شده است.

برای مثال در تفسیر قمی در تفسیر این آیه آمده است ...بل یرید کا امرء منهم ان یؤتی صحفاً منشره.... باشد. ای محمد به ما رسیده که وقتی کسی از بنی اسرائیل گناهی انجام می داد صبحگاه گناه و کفاره آن نوشته شده بر بالای سر او قرار می گرفت . جبرئیل نازل شد و به پیامبر (ص) عرض کرد قوم تو تقاضای سنت بنی اسرائیل را درباره گناهان دارند اگر بخواهند با آنها مانند بنی اسرائیل برخورد کرده و همان گونه نیز عذاب می کنیم گمان کردند که پیامبر صل الله علیه و آله وسلم مطلب



فوق را برای قومش دوست ندارد و نیز حدیث دیگری بدین مضمون نقل شده است: اگر محمد (ص) صادق است پس باید هر صبح بر بالای هر کدام از ما برائت و ایمنی از آتش نوشته شده باشد. آنگاه این آیه نازل شد بل **یرید کل امر منهم ان یوتی صحفاً منشره** .

علامه طباطبایی پس از نقل دو روایت فوق می گوید سیاق آیات شریفه با مضمون روایات مطابقت ندارد (المیزان، ۱۹، ۱۰۱).

### ترجیح بین قراءات با توجه به سیاق

قرآن دارای قراءت های متفاوتی است (قراء سبعة). بعضی از کلمات را به گونه های مختلف قراءت کرده اند. راه رسیدن به قرائت صحیح بهره برداری از نقل است و تجزیه و ترکیب و بحثهای عقلی در این زمینه کار بردی ندارد. گاهی با توجه به سیاق آیات قرآن یکی از دو قرائت ترجیح داده می شود.

برای مثال سیاق آیات سوره جن نشان می دهد که **إن** در این آیات باید به کسر خوانده شود زیرا مقول قول جن است و دلیلی برای فتح نیست. مشهور نیز به کسر خوانده اند. **(انه تعالی جد ربنا)** (ابن عقیل، شرح الفیه، ۱۰۷۹).

علامه در تفسیر آیه **"ام حبستم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول والذین امنوا معه متی نصر الله الا ان نصر الله قریب"** می فرماید:

برای کلمه یقول دو نوع قرائت ذکر شده است: حالت اول این است که یقول منصوب قرائت شده و بر اساس این قرائت، جمله (یقول الرسول والذین امنوا معه...) غایت برای جمله سابق است. حالت دوم این است که یقول مرفوع باشد در این حالت یقول حکایت از حالت گذشته خواهد بود. گرچه هر دو معنا صحیح است ولی معنای دوم با سیاق آیه مناسبت بیشتری دارد زیرا غایت بودن جمله که با جمله **وزلزلوا حتی یقول الرسول** تعلیل شده است با سیاق آیات تناسب کاملی ندارد.

### سیاق و مکی و مدنی بودن آیات و سوره

بعضی از آیات و سوره های قرآن کریم در مکه و پیش از هجرت نازل شده و بعضی از آنها نیز پس از هجرت نازل شده اند که اصطلاحاً به آنها مدنی گویند. راه

تشخیص مکی از مدنی نیز روایات و تاریخی است که در این زمینه نقل شده است. علامه طباطبایی در بیشتر مواقع با توجه به سیاق آیات ، مکی و مدنی بودن آنها را مشخص می کند. نمونه های ذیل مؤید این مطلب است :

در آغاز تفسیر سوره انفال می فرماید: سیاق الایات یعطی انها مدینه نزلت بعد وقعه بدر (المیزان، ۵۰۹). سیاق آیات نشان می دهد که سوره انفال مدنی بوده و بعد از جنگ بدر نازل شده است . در آغاز سوره مریم می فرماید : السوره مکیه بلاریب تدل علی ذلک مضامین آیاتها وقد نقل علی ذلک اتفاق المفسرین. این سوره بدون شک مکی است. مضمون آیات سوره بر این مطلب دلالت دارند. و اتفاق نظر مفسرین نیز در این باره نقل شده است. (المیزان، ۱۴۷). منظور ایشان از مضامین آیات همان سیاق آیات است که حتی قبل از اجماع نظر مفسران به عنوان دلیل برای مکی بودن سوره ذکر شده است. در ابتدای سوره انبیاء نیز می فرماید: السورة مکیه بلاخلاف فیها وسیاق آیاتها یشهد بذلک: سوره بدون اختلاف مکی است وسیاق آیات بر این مطلب گواهی می دهند (المیزان، ۱۴، ۲۴۴).

همچنین درباره سوره حج می فرماید: تخاطب المؤمنین بمثل الصلاة ومسائل الحج وعمل الخیر والاذن فی القتال والجهاد فی سیاق یشهد بان لهم مجتمعاً حدیث العهد بالأنعقاد قائماً علی ساق لا یخلوا من عده وشوکه ویتعین بذلک ان السوره مدینه نزلت بالمدينة ما بین هجره النبی (ص) وغزوه بدر.... این سوره مؤمنان را مخاطب قرار داده درباره مانند نماز ومسائل حج وعمل نیک واجازه در قتال و جهاد در سیاقی که گواهی می هد آنان یک اجتماع تازه پدید آمده دارند که دارای عده وعده وشوکتی نیز می باشد با این بیان متعین است که سوره مدنی بوده و بین هجرت پیامبر (ص) وجنگ بدر نازل شده است (المیزان، ۱۴، ۳۳۸).

### سیاق آیات واسباب النزول

گاهی حادثه ای رخ می داد و یا پرسشی مطرح می شد در پاسخ آن پرسش یا به سبب آن حادثه خداوند آیاتی از قرآن کریم را نازل می فرمود که به این گونه حوادث یا پرسش ها سبب نزول گفته می شود. (الاتقان، ۱، ۱۰۱؛ اسباب النزول، ۳۰۶؛ مباحث فی علوم القرآن، ۱۳۲).





شناخت اسباب النزول به مفسر کمک می کند تا در فهم معانی آیات و تفسیر قرآن به تفسیر درستی دست یابد . (واحدی نیشابوری، همان.) اسباب النزول آیات در تفسیر و فهم صحیح معانی آیات قرآن کمک موثری است

در هر صورت بر مفسر لازم است که هنگام تفسیر به اسباب النزول نیز مراجعه کند. نکته اساسی در این موضوع این است که اگر اسباب النزول با سیاق و معنای آیه ناسازگار بود از آنجا که قرآن بر حدیث مقدم است. آیه قرآنی بر سبب نزول مقدم خواهد بود. لذا علامه طباطبایی در المیزان بعضی از اسباب النزول های حتی مشهور را به جهت مخالفت با ظاهر، سیاق یا معنای آیه نمی پذیرد . چنانکه ایشان در تفسیر نخستین بخش از سوره احزاب روایتی را درباره سبب نزول آیات یادآور شده و آن را پذیرفته است و سپس چنین می نویسد: «درباره سبب نزول این بخش از آیات، روایات و نقل های دیگری نیز رسیده است ولی چون با سیاق آیات بیگانه است و سازگاری ندارد آن را نمی پذیریم» (المیزان، ۱۶، ۲۸۰).

بنابر این از دید گاه علامه سبب نزولی پذیرفته می شود که با سیاق آیه هماهنگی داشته باشد چنانکه در تفسیر آیه شریفه : «یا ایها النبی اتق الله ولاتطع الکافرین و المنافقین ان الله کان علیماً حکیماً» (احزاب/ ۱) «ای پیامبر از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن. که خداوند عالم و حکیم است می نویسد:

چون آیه در سیاق نهی است پس می توان به دست آورد که کافران در خواست اموری را از پیامبر اکرم (ص) کرده اند و منافقان نیز با اصرار از حضرت می خواسته اند که پیشنهاد کافران را بپذیرد. از این رو به دلالت سیاق آیه، روایاتی که در سبب نزول آیه آمده، پذیرفته می گردد. آن دسته از روایات دارای این مفهوم است که برخی از بزرگان قریش بعد از جنگ احد نزد پیامبر (ص) آمده و درخواست کردند که آن حضرت به بت پرستی آنان کاری نداشته باشد و آنان نیز در یکتا پرستی حضرت دخالت نکنند. سپس این آیه و آیه پس از آن نازل شد و حضرت را از پیروی از آنان بازداشت . همچنین دلالت سیاق آیه، با پایان آیه که در بردارنده دو اسم از اسماء الحسنی است (علیم و حکیم) مناسبت داشته و نیز تناسب این آیه با دو آیه بعد روشن می گردد» (المیزان، ۱۶، ۲۷۳).

یا در تفسیر آیه: وما جعلنا اصحاب النار الاملائکه وما جعلنا عدتهم الا فتنه للذین کفروا لیستقین الذین اوتوا الکتاب ویزداد الذین امنوا ایماناً ولا یرتاب الذین اوتوا الکتاب و المومنون



وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلاً كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم جنود ربك الا هو وما هي الا ذكري للبشر (مدثر ۳۷) می نویسد:

سیاق آیه شریفه دلالت دارد که کفار عرب درباره تعداد خازن های جهنم با یکدیگر به سخن پرداختند و خداوند متعال این آیه شریفه را نازل کرد و بدین گونه به وسیله سیاق آیه آنچه که به عنوان سبب نزول ذکر شده است تأیید می گردد (المیزان، ۲۰، ۹۱).

### گسترش مفهوم آیه با توجه به سیاق

گاهی آیه در موردی خاص نازل شده و معنای خاصی از آن به ذهن مبتادر می گردد ولی به کمک سیاق آیه می توان مفهوم آیه را گسترش داد. برای مثال به آیه ذیل و تفسیر آن توجه کنید:

«ترجی من تشاء منه و تؤوی الیک من تشاء...» هر کدام از آنان [همسرانت] را که می خواهی از خود دور بدار و هر کدام را که می خواهی نزدیک بدار... آیه شریفه درباره واجب نبودن حق قسم بر پیامبر (ص) سخن می گوید، از این روحضرت می توانسته اند هرگونه که می خواهند زمان حضور در نزد همسران خود را تنظیم کنند و هر کدام را بر دیگری مقدم بدارند ولی سیاق آیه مفهوم آیه را گسترش می دهد بدین گونه که پیامبر (ص) افزون بر رعایت نکردن حق قسم، می توانند زنی که خود را به حضرت بخشیده است بپذیرند و یا نپذیرند. درباره مفهوم آیه، دیدگاههای دیگری نیز بیان شده است ولی آنچه گذشت با سیاق آیه و آیات پیش سازگار تر است افزون بر آن که روایات اهل بیت (ع) همین دیدگاه را تأیید می کند (المیزان، ۱۶، ۳۳۶).

به عنوان مثال دیگری می توان به سوره مبارکه انفال توجه کرد آنجا که خداوند متعال می فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» که رباط الخیل اسباب بسته شده و آماده و همچنین قوه به رمی (تیرانداختن) تفسیر شده است اما با توجه به سیاق می توان مفهوم آیه را گسترش داد تا سلاحهای امروز (توپ، تانک، مسلسل...) را نیز شامل شود.



## سیاق و بیان احکام

گاهی به کمک سیاق می توان به احکام مستنبط از یک آیه اشاره کرد و آنها را استخراج نمود. برای مثال در ذیل آیه شریفه "فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فان الله غفور رحیم" علامه طباطبایی می نویسد:

این آیه دلالت دارد بر این که اولاً این حکم حکم ثانوی واضطراری است و ثانیاً تجویز و مباح کردن به همان اندازه است که با آن اضطرار برطرف شود و گرسنگی تسکین پیدا کند و ثالثاً اینکه صفت مغفرت و رحمت همانطوریکه به معصیت هایی تعلق می گیرد که مستوجب عقاب است ممکن است به منشأ آن معاصی هم تعلق گیرد.

## اصالة السیاق

همانطوری که اصالة الظهور \_ اصالة الطهاره و... در علم اصول اثبات شده و به کمک فقیه برای اثبات نظر وی می آیند؛ اصالة السیاق نیز می تواند در علم تفسیر به مفسر کمک نماید تا به کمک سیاق بتواند تفسیری درست از آیه را ارائه دهد. آیت الله محمد هادی معرفت (رض) در این زمینه می نویسد:

سزاوار است که در آیات از اصالة السیاق غافل نمانیم زیرا سیاق به حسب طبیعت اولی آیات محفوظ است به این معنا که اصل اولی بنا گذاشتن بر این است که ترتیب فعلی همان ترتیب نزول است مگر خلاف آن با دلیل ثابت گردد که آن هم جز در موارد اندکی ثابت نیست و در موارد اندکی هم که (چینش آیات) برخلاف جایگاه اصلی آن ثابت شده، چون به فرمان و ارشاد نبی اکرم (ص) بوده است، ناچار در آن موارد مناسبتی لحاظ شده و همان در حکم سیاق کافی است (التمهید، ۱۰۲۸۰).

البته دیدگاه دیگر در این زمینه این است که تأکید بیش از حد بر سیاق باعث می شود که از معنای عام و فراگیر آیه غافل شویم و آیه را بیشتر بر مصادیق گذشته حمل کنیم (شناخت قرآن، ۵۹ و ۶۰). ولی می توان ضمن در نظر گرفتن سیاق و توجه به معانی اولیه آیه معنای آیه را گسترش داد تا در ورای زمانها و مکانها بتوان از این کتاب هدایت و روشنگری بهره برد.

## منابع

- \_ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، ۱۳۷۰ ق.
- \_ ابن عقیل، شرح الفیه ابن مالک

- \_ ابوحيان اندلسی، محمد بن يوسف بن علی، بحر المحيط، بیروت، دارالحياء التراث العربی \_ ۱۴۱۱ ق.
- \_ ابوالفداء، ابن کثیر قرشی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۸۲ م.
- \_ اسلوی، محمد، العواء، الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم.
- \_ آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ
- \_ بیضاوی، عبدالله ابن عمر بن محمد، انوار التنزیل واسرار التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ هـ
- \_ جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق ۸. حسینی، محمد رضا، کیف بفهم القرآن، بیروت، موسسه وفسا، ۱۴۰۰ هـ
- \_ پژوهشهای قرآنی (مجله)
- \_ خوری، شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی ۱۴۰۳ هـ
- \_ دهخدا، علی اکبر، فرهنگ (لغت) دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- \_ رشید رضا، محمد، المنار فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- \_ زرکشی، بدرالدین، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ هـ
- \_ سیوطی، جلال الدین، الأتقان فی علوم القرآن، منشورات شریف الرضی، بی جا، بی تا.
- \_ شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير، عالم الکتب
- \_ ۱۶ \_ صبجی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸.
- \_ صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول، قم، موسسه النشر الاسلامی ۱۴۱۰.
- \_ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات چاپ سوم ۱۳۹۳ هـ ق.
- \_ طبرسی، امین الدین، الفضل بن حسن مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت.
- \_ ۲۰ \_ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۲.





- \_ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیا تراث عربی، بی تا.
- \_ عمادی، ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی، تفسیر ارشاد العقل السلیم الی مزیاء الکتب الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- \_ فرطی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء تراث عربی، ۱۹۶۶ هـ.
- \_ گرامی، محمد علی، درباره شناخت قرآن، قم، نشر روح، بی تا.
- \_ معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مهر، ۱۳۰۹.
- \_ معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵ ش.
- \_ نسفی، عمر بن محمد، مدارک التنزیل وحقایق التأویل (تفسیر نسفی) تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۲ ش.
- \_ واحدی، نیشابوری، اسباب النزول، قاهره \_مکتبه المتنبی، بی تا.
- نی، حسین، خردنامه شماره ۱ (۱۳۸۴سفند)